



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

دوست کیست؟  
دوستی کیست؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# دوست کیست؟ دوستی چیست؟

نویسنده:

مهدی دانشمند

ناشر چاپی:

خادم الرضا ( علیه السلام )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	دوست کیست؟! دوستی چیست؟! .....
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۹	انسان و نیاز به دوست
۱۱	دقت کنید
۱۱	مراحل رفاقت
۱۳	آفت دوستی
۱۶	عشق و دوستی
۱۸	انسان و حرکت به سوی کمال
۲۰	دوستی در قرآن
۲۳	آیه ای دیگر
۲۴	اهمیت دوستی در روایات
۲۹	با چه کسانی دوست شویم؟
۳۲	ویژگی های همنشین خوب
۳۲	شرط اول: دیدن او، شما را به یاد خدا بیندازد
۳۴	شرط دوم: همنشینی با او، علم شما را افزون گرداند
۳۵	شرط سوم: رفتارش شما را به یاد آخرت بیندازد
۳۶	شرایط دوست خوب از نظر امام حسن علیه السلام
۳۷	دوست کامل در کلام امام صادق علیه السلام
۳۹	با چه کسانی رفاقت نکنیم؟
۳۹	با چه کسانی رفاقت نکنیم؟
۴۱	پرهیز از شرور
۴۱	پرهیز از چاپلوس

۴۱	شرایط پنج گانه
۴۲	نتیجه معاشرت
۴۴	هلاکت و بدبختی
۴۴	نکته خواندنی
۴۴	شباهت های دوست خوب و آینه
۴۴	۳۰ صفت از صفات آینه و دوست خوب
۴۹	دختران و دوستی
۴۹	دختران و دوستی
۵۰	دخترم!
۵۰	خواهرم!
۵۱	خواهرم!
۵۱	دخترم!
۵۲	خواهرم!
۵۳	جاذبه های کاذب برای جلب دوستی
۵۳	جاذبه های کاذب برای جلب دوستی
۵۳	خواهر و برادر عزیزم!
۵۴	خواهرم!
۵۵	تهاجم به مقدسات
۵۵	تهاجم به مقدسات
۵۶	نمونه اول
۵۷	نمونه دوم
۵۸	آخرین کلام
۶۱	پی نوشت ها
۶۳	درباره مرکز

## دوست کیست؟! دوستی چیست?!

### مشخصات کتاب

سرشناسه : دانشمند، مهدی

عنوان و نام پدیدآور : دوست کیست ؟ دوستی چیست ؟ / مهدی دانشمند

مشخصات نشر : قم : موسسه فرهنگی خادم الرضا(ع) ، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری : ص ۸۰

شابک : ۹۶۴-۳۶۰-۴۴۳-۸-۳۰۰۰ ریال ؛ ۹۶۴-۳۶۰-۴۴۳-۸-۳۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلی

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس

موضوع : دوستی (اسلام) -- ادبیات نوجوانان

موضوع : دوستی -- ادبیات نوجوانان

موضوع : روابط بین اشخاص -- ادبیات نوجوانان

رده بندی کنگره : ۹۵۲/۲ BP۲۵۴/۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷ [ج] ۶۵۲/

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۰-۱۲۶۳۹

### مقدمه

از این که خداوند منان یک بار دیگر توفیق را یارم نمود تا در نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام قدمی بردارم، شاکرم و امید آن دارم که جوانان عزیز با مطالعه این کتاب، مسیر جدیدی را به روی خود بگشایند.

گر چه تصمیم نداشتیم کتاب حاضر را با عجله در اختیار شما جوانان عزیز قرار دهیم؛ اما از آن جا که لطف و عنایت معصومان علیهم السلام همواره شامل حال نوکر کوچکشان بوده است، باز در تحریر و تکثیر این کتاب، مشمول عنایات و رحمت اهل بیت قرار گرفتم و اینک کتاب «دوست کیست؟ دوستی چیست؟» به صورتی که مشاهده می کنید، در اختیار شما خواننده محترم قرار دارد.

کتاب حاضر، نگرشی است بر یک مسأله مهم اجتماعی، به خصوص برای جوانان، یعنی دوستی و رفاقت و معاشرت از دیدگاه شرع مقدس اسلام و از نظر مربیان حقیقی بشر، یعنی چهارده معصوم علیهم السلام.

در این کتاب، سعی شده است مطالب و موضوعات ضروری مورد بحث قرار گیرد و با سبک روان به تحلیل آن پرداخته شود.

به امید آن که حضرت حق، این اثر ناچیز را به عنوان ران ملخی به درگاه سلیمانی خویش بپذیرد و همواره ما را از نزول برکات و



نعمت های خویش بهره مند نماید.

در پایان، از مرکز نشر، مؤسسه فرهنگی - هنری خادم الرضا علیه السلام در قم که در چاپ این کتاب ما را مساعدت نمودند، صمیمانه تشکر می کنم و امیدوارم ثواب این اثر برای قبر و قیامت همه ما ذخیره گردد. ان شاء الله

مهدی دانشمند

ویرایش جدید

زمستان ۱۳۸۴

## انسان و نیاز به دوست

زندگی اجتماعی و ارتباط میان هموعان، یکی از مهم ترین مسایلی است که در بین برخی از موجودات عالم یافت می شود.

حیواناتی مانند مورچه و زنبور، دارای زندگی اجتماعی بسیار منظمی می باشند؛ تا جایی که گروهی از آن ها برای پیشبرد اهداف زندگی غریزی خود، دارای سمت های ویژه ای هستند. برای نمونه، می توان به این نکته جالب اشاره کرد که برخی از حشره شناسان دریافته اند:

در زندگی زنبورها، هر زنبوری مأموریتی دارد. گروهی از آن ها مراقبان و پاسبانان کندو می باشند و هر زنبوری که قصد ورود به کندو را داشته باشد، مورد تفتیش قرار می دهند و دهان او را بو می کنند؛ اگر زنبوری به جای استفاده از گُل های خوشبو، روی گلی بدبو و یا لاشه مرداری نشسته باشد، او را بازخواست کرده و در یک چشم به هم زدن سر از پیکرش جدا می کنند. (۱)

پروفسور مولوزان که ملقب به پدر علم حشره شناسی است و ۳۲ جلد کتاب در مورد زندگی عنکبوتیان نوشته است، در تحقیقات خود می نویسد: عنکبوت موجودی است که بر خلاف موجودات دیگر، زندگی فردی را دوست دارد و از زندگی جمعی با هموعان خود بیزار است.

البته ناگفته روشن است که موجودات عالم از روی «غریزه» و به صورت جبری دارای چنین نوع رفتار و سبک زندگی می باشند. اما انسان که به عنوان گل سر سبد موجودات عالم معرفی شده

و دارای استعدادهای درخشان پنهانی است، فقط از روی غریزه یا جبر دارای چنین ویژگی و امتیازی نیست، بلکه از روی اختیار و با در نظر گرفتن حدود و مصالح خود با دیگران در ارتباط است.

همان طور که می دانیم، تمامی حیوانات فقط دارای تکامل جسمی و جنسی می باشند و از رشد و تکامل روحی و معنوی محرومند و هرگز سراغ نداریم حیوانی به دلیل رعایت نکردن مصالح اجتماعی خود، سقوط کرده و یا دچار فساد اخلاقی شود؛ اما انسان از آن جا که لیاقت تکامل و رشد دارد و احتمال خطر سقوط اجتماعی برای او نیز وجود خواهد داشت، سقوط نیز دارد. به عبارت دیگر، انسان می تواند با قرار گرفتن در مسیر ایمان و اخلاق، به عالی ترین و رفیع ترین قله سعادت نایل آید و نیز با عدم رعایت اصول اخلاقی و اجتماعی و آلودگی های فکری و رفتاری، به پایین ترین درجه سقوط کند و به تعبیر قرآن کریم، از حیوان نیز پست تر گردد:

«أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»

لذا یکی از مؤثرترین عوامل سقوط و صعود، همنشین آدمی است؛ همنشینی که گاه انسان را از سیر تکاملی باز داشته و گاه او را در راه رسیدن به موفقیت رهنمون می سازد.

تأثیرات همنشینی، ناخود آگاه به انسان منتقل شده و ناخواسته شخص را تحت تأثیر قرار می دهد.

اسب و تازی گر ببندی پیش هم

رنگشان یکسان نگردد، طبعشان یکسان شود

بنابر این، ما به تمام خوانندگان این کتاب، به ویژه جوانان عزیز که در اول راه زندگی قرار گرفته اند، هشدار می دهیم که سخت مواظب بوده و در انتخاب دوست، بیش از پیش دقت به خرج داده و نکات و مطالبی را که

در صفحات بعد اشاره می کنیم، با دقت مطالعه کنید.

## دقت کنید

دنیای کنونی دارای بیش از یک میلیارد جوان است و بحمدالله بالاترین درصد جمعیت کشور اسلامی ما را نیز جوانان تشکیل می دهند.

بنابر این، می توان به این حقیقت اشاره کرد که ایران امروز، جوان ترین دوران خود را سپری می کند.

ایام جوانی، دورانی بسیار حساس با ویژگی هایی منحصر به فرد است، که تمامی انسان ها با آن روبرو بوده و خواهند بود.

مسیر جوانی همچون جاده ای پرپیچ و خم، لغزنده، و بسیار خطرناک با درّه هایی عجیب و غریب است، که تاکنون میلیون ها قربانی از جوانان غیر هوشیار گرفته است.

البته از مهم ترین خواسته های درونی بشر، رفاقت و همنشینی با همسن و سال ها و همدوره های آدمی بوده و به دست آوردن هنر دوست یابی و ایجاد روابط دوستانه، از آرزوهای بشر می باشد. جوانان، به خصوص در ابتدای دوران جوانی، به شدت تحت تأثیر دوستان خود قرار گرفته، روش و منش و خلق و خوی خود را به یکدیگر هدیه داده و یادگار می گیرند. البته اگر این تأثیرات در مسیر رشد و تعالی باشد، فوق العاده در موفقیت انسان مؤثر است؛ در غیر این صورت، بسیار خطرناک خواهد بود.

راستی چه باید کرد؟ دوستان خود را چگونه گزینش کنیم؟ این ها سؤالاتی است که هر انسان عاقلی برای به دست آوردن پاسخ آن باید تحقیق کرده و خود را به زحمت بیندازد، تا با تجاربی تلخ و ناگوار به پاسخ این سؤالات دست نیابد.

دانستن چستی و کیستی در مورد گزینش همنشین، از مهم ترین علوم و فراورده های اجتماعی است.

## مراحل رفاقت

همان طور که می دانیم، زندگی انسان به سه بخش تقسیم می گردد:

۱. دوران کودکی؛

۲. دوران جوانی؛

۳. دوران پیری.

دوستی و رفاقت را نیز به تناسب این سه مرحله مهم، به

سه قسم تقسیم می کنیم.

اول: در دوران کودکی، معمولاً ارتباطات بدون دلیل و از روی احساسات کودکانه و عواطف محض است.

انسان در دوران کودکی از روی دلیل و برهان با کسی ارتباط برقرار نمی کند؛ حتی دوستی او با پدر و مادرش نیز فقط از روی احساس نیازی است که به آنان دارد و نسبت به والدین خود دلبستگی پیدا کرده است.

بدیهی است که کودک مسایل شرعی و تدین یا فساد اخلاقی را درک نمی کند؛ او فقط برای حفظ خود، دریافته است که والدین، نیازهای مادی و عاطفی او را برطرف می سازند، از این رو عاشق آنها است و به جهت محبت های سرشار و مداوم و ارتباط دایمی که با والدین خود دارد، شیفته آنان است. و الاً اگر از بدو تولد، به جای والدینش زن و مرد دیگری این نقش را ایفا کنند، همین علاقه عمیق را نسبت به آنان خواهد داشت و به آنها عادت خواهد کرد.

دوم: دوستی و رفاقت در دوران جوانی، بسیار حساس و مهم است. در این دوران، روابط دوستی رنگ و لعاب خیره کننده ای دارد و معمولاً کسانی که در این سنین قرار می گیرند، بیش از هر چیز دیگر، دوستی و رفاقت را مد نظر قرار می دهند.

از آن جا که دختران و پسران جوان به مرحله ای حساس و به بلوغ جنسی رسیده و پا به دوران جدیدی گذاشته اند، ناخواسته احساس استقلال می کنند، و عشق و شور جوانی به وضوح در رفتارهای فردی و اجتماعی آنان نمایان خواهد بود.

اینان به شدت شیفته ارتباط با اطرافیان خود بوده و به محض آن که کسی به روی آنان لبخندی بزند و از آنها تعریف

کند، اسیر دوستی با او می شوند. مسلّم است که گاهی احساسات و عواطف در این دوران، جوانان را تهدید می نماید. برای مثال، اگر جوانی با احساسات و عواطف سرشار خود، زمینه دوستی را برای خود و طرف مقابل فراهم آورد، در صورت مشاهده کوچک ترین کبر و خودپسندی و غرور از طرف مقابل، سریع اقدام به قطع رابطه می کند.

متأسفانه چون برخی از جوانان در ایجاد رابطه و دوستی با دیگران از معیار مناسب و دلیل عقلی استفاده نمی کنند، احتمال سقوط در درّه های هولناک فساد اخلاقی برایشان بسیار جدی خواهد بود.

سوم: دوران پیری که آخرین دوران زندگی دنیوی انسان است، دارای ویژگی های مهم و قابل اهمیتی است که همین امر، سبب تمایز و جدایی آن از دوران جوانی و کودکی می شود.

معمولاً رفاقت و دوستی در دوران پیری، درست شبیه دوران کودکی است و از روی احساس نیاز افراد سرچشمه می گیرد. مسایلی مانند امور شغلی و استفاده های مادی نیز می تواند از مهم ترین عوامل رابطه و دوستی بین افراد سالخورده باشد.

مشکلات مادی و زندگی در جامعه کوچک خانواده، هرگز امکان بروز احساسات درونی افراد را در این دوره نداده و هر کسی پس از برطرف شدن نیازش، به سراغ مشغله های خود می رود.

## آفت دوستی

دوستی را در یک مثال محسوس، می توان به درختی تشبیه کرد که در زمان نهال بودنش با کمی نسیم و باد به این طرف و آن طرف رفته و نمی تواند ثبات خویش را حفظ نماید؛ و هر چه پیش می رود و عمری از او می گذرد، استحکام درخت در مقابل تند بادهای بیش از پیش می گردد.

منتهی مشکل این جاست که بعضی از درختان در اوج زیبایی و رشد،

دچار آفت می شوند. البته پس از این مرض، تا مدت زمانی کسی متوجه نمی شود، ولی در یک روز طوفانی و نسبتاً سخت، کمر درخت شکسته و سرنگون می گردد. آن روز، روز رسوایی درخت است. همه می فهمند که درخت شکسته، ظاهرش فریبنده، ولی باطنش پوک و سست و فاسد بوده است.

آدمی نیز می تواند همچون درختی پُر ثمر در جامعه مفید باشد، تا از میوه های کلامش، از زیبایی اعمالش، و از سایه امنیتش، بر او تکیه اعتماد زنند و همیشه مورد توجه قرار گیرد و مردم و دوستانش در کنار او سفره دل پهن کرده و زیر سایه لطف او، خستگی های روزگار را به در کنند.

بنابراین، جوانان عزیز که خواستار زندگی شرافتمندانه هستند، باید با دوستان حقیقی خود بیش تر مرتبط بوده، ریشه درخت دوستی را محکم تر نمایند؛ همچنین از دوستان ظاهری و افرادی که شایستگی همنشینی را ندارند، دوری گزینند.

خداوند مهربان در آیه ۱۷ سوره نوح می فرماید:

«وَاللَّهُ أَنْبَتُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا»

خداوند برای شما از زمین، نبات و گیاه می رویاند.

شاید بتوان این گونه نتیجه گرفت که ما نیز باید کشتزار دل و قلب و وجودمان را به دست خدا بدهیم، تا او با هنر باغبانی، زیباترین و عالی ترین محصول از ایمان و اخلاق را به ثمر برساند. اما افسوس و صد افسوس که به تعبیر قرآن کریم، برخی برای خدا و دینشان همچون کویری خشک و لم یزرع می مانند:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ»

کنود یعنی کویر، خشک، بی حاصل و بی ثمر.

آری؛ بعضی برای شیطان از جنگل گلستان زیباترند، ولی برای خدا و دین خدا چنان خشک و خشن می باشند که تحمل لحظه ای توقف در نزد آنان را نخواهی داشت.

با توجه به

مطالبی که گذشت، می توان نتیجه گرفت بسیاری از کسانی که در درّه هولناک دوست بد سقوط کردند، چنان دچار فساد اخلاقی شدند که یا جانشان را در این مسیر باخته و از دست دادند و یا در پشت میله های زندان، سر ندامت به میله های حبس کوبیدند.

آری؛ بی توجهی در رفاقت و دوستی ها، چنین زمینه هایی را برای آدمی فراهم می آورد.

آنان بدون دقت و با عجله، خود را در کوچه پس کوچه های خیالات خویش سرگردان نموده و برای به دست آوردن توجه دیگران، بدون در نظر گرفتن عواقب خطرناک همنشینی با افراد پست، خود را به آب و آتش زدند.

روزانه ده ها نامه و تماس تلفنی که با خطبا و روان شناسان در میان گذاشته می شود، آه و درد ناشی از روابط آلوده بین جوانان را گوشزد نموده و مدام خاطر نشان می سازد که در سخنرانی ها، جوانان را از این مسأله مهم آگاه نموده و آنان را از عواقب خطرناک سرعت در جاده های دوستی بر حذر بدارید.

متأسفانه این گروه از جوانان، تنها عامل سقوط خویش را دوست و همنشین خود معرفی می نمایند! البته روشن است که هر کسی در روابط اجتماعی خود دقت نکند و تن به دوستی هر فردی بدهد، به طور قطع دچار مشکلات روحی و روانی زیادی خواهد شد، که گاه قابل درمان و جبران نخواهد بود.

البته این مطلب را نیز باید در نظر داشت که دوستی با افراد ناباب و متأثر شدن از آنان، تنها عامل سقوط نیست، و نمی توان همه اشتباه ها و مشکلات را چماقی ساخت و بر سر دیگران کوبید، بلکه به تعبیر امام صادق علیه السلام:

«صَدِيقُ كُلِّ امْرِءٍ عَقْلُهُ وَعَدُوُّهُ جَهْلُهُ»

بهترین دوست

آدمی؛ بصیرت، عقل، شعور، و احتیاط آدمی است و بدترین دشمن برای او؛ نادانی، بی توجهی، و پای از گلیم دراز کردن، و دل به دریا زدن و بی احتیاطی اوست.

آری؛ مقصر اصلی، شخص آدمی است که در انتخاب همشین، دقت نکرده و بی توجه بوده است.

بعضی از جوانان شکست خورده، با خواندن اشعاری مانند:

من از بیگانگان هرگز ننالم

هر آنچه کرد با من آشنا کرد

بی دقتی خویش را توجیه کرده و تمامی تقصیر را به دیگران نسبت می دهند؛ در حالی که در تبیین معنای واقعی شعر، منظور از آشنا، هوای نفس خویش است، و این شعر را باید با این نکته تفسیر کرد که: خود کرده را تدبیر نیست.

در زندان ها و ندامتگاه ها هم، اشعاری می خوانند؛ مانند:

دوستی با هر که کردم خصم مادرزاد شد

آشیان هر جا گزیدم، خانه صیاد شد

آن رفیقی را که با خون جگر پروردمش

وقت مردن بر سر دار آمد و جلاد شد

و این گونه وانمود می کنند که:

تمام مشکلات و مصائب و بدبختی ها را از دوستان خود به ارث برده اند؛ در حالی که، هر کس هر چه می کشد، از خویشان است. تیری اگر به عقاب می خورد و او را صید می کند، به واسطه بال و پر خویش است که چنان تند و تیز، هوا را می شکافد و به هدف می رسد و او را سرنگون می سازد. به قول شاعر: از ماست که بر ماست.

## عشق و دوستی

بسیاری از جوانان به دلیل درک نکردن مقام والای خود، با آتش احساسات، دچار عشق های مجازی و کاذب شده، خرمن آینده خود را می سوزانند. اینان فکر می کند هر چه هست، همین عشق است و گاه تا پای جان بر سر آن می ایستند.

استاد مطهری قدس سره در



کتاب ارزشمند «اسلام و مقتضیات زمان»، به ماجرای زیبا اشاره کرده اند که توجه شما را به آن جلب می نمایم:

«جوانی عاشق شده بود، زندگیش را پدرش تأمین می کرد و هنوز سرد و گرم روزگار را نچشیده بود. چون پدرش را می دید که راجع به مسایل عشق و عاشقی بی تفاوت است، او فکر می کرد عقل پدرش نمی رسد و پدرش درک ندارد؛ می گفت: چرا پدرم عشق را نمی فهمد؟ عاشقی را درک نمی کند؟»

روزی پدرش را به ملامت کشید و از عالم عشق خود چیزی را با او در میان گذاشت و گفت:

جان پدر تو جلوه جانان ندیده ای

روی چو ماه و زلف پریشان ندیده ای

نشسته ای به گوشه ای از درد عاشقی

آن دم ز در رسیدن جانان ندیده ای

جوان فکر می کرد پدرش این چیزها را نمی فهمد. (همین که این جملات را گفت) پدرش به او پاسخ جانانه ای داد:

جان پسر تو سفره بی نان ندیده ای

جنگ عیال و ناله طفلان ندیده ای

نشسته ای به گوشه ای از درد قرض خواه

ناگه ز در رسیدن مهمان ندیده ای» (۲)

آری؛ گروهی از جوانان به خیال خود به دنبال عشق رفته و در پی معشوق خود سرگردانند. آنان دوست دارند با دلبران خویش همچون لیلی و مجنون باشند و شهره عام و خاص گردند؛ غافل از آن که در جذب دوستان و معشوقان حقیقی، عوامل نهفته ای وجود دارد که بدون در نظر گرفتن آن، ثمری جز رسوایی و بدبختی و ظهور ناملايمات روحی و روانی نخواهد داشت.

حال سؤال این است که چه کسی می تواند دوست واقعی انسان باشد؟ نظر بزرگان دین و قرآن کریم در این مورد چیست؟ اوصاف و شرایط دوست خوب کدام است؟

سؤالات فوق را در صفحه های بعد جواب خواهیم داد. پس به دقت

مطالعه کنید و سپس در مورد دوستان خود خوب بیندیشید. همچنین این سؤال را نیز از خود پرسید که: آیا من دوستی نیک برای دیگران بوده ام یا...؟!

اگر هر کسی غفلت و بی توجهی را کنار بگذارد و با نگاه به رفتار اجتماعی اش، خویشتن را محاکمه نماید و چگونه بودن را بررسی کرده، واقعیت را دریابد، بسیاری از مشکلات اجتماعی برطرف خواهد شد.

به همین علت است که پیشوایان دینی ما، همواره گوشزد کرده اند که در معاشرت های اجتماعی، به گونه ای باشیم که دوست داریم دیگران با ما آن گونه باشند.

بنابراین، بیایم خود را محک بزنییم که: چگونه ایم و باید چگونه باشیم؟

## انسان و حرکت به سوی کمال

قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام بر این نکته تصریح دارند که تمام موجودات عالم که به فیض وجود مفتخر شده اند، در حرکتند و در مسیری راه می پیمایند که انتهای آن کمال مطلق است.

به این مثال توجه کنید:

کشاورزی که دانه های گندم را بر زمین آماده می پاشد. دانه ها از همان موقع که در دل خاک قرار می گیرند، لحظه ای برای به کمال رسیدن خود درنگ نمی کنند.

هنگامی که دانه سر از خاک بیرون می آورد، نصف راه کمال را پیموده است. سپس با بهره برداری از نور خورشید و انرژی های لازم در طبیعت، راه را برای خوشه شدن طی می کند و سرانجام در هدف خویش فنا می گردد، و در سنبله وجودش با لبخندی ملیح به فرزندان خویش درس تکامل و حرکت می دهد.

به راستی اگر کسی سؤال کند که آن دانه گندم اول که زارع در زمین پاشید و اکنون تبدیل به خوشه هفتاد دانه ای شده، کجاست، آیا می توانیم به طور مشخص آن را نشان دهیم؟ هرگز! چرا که آن دانه گندم

در هدف خود که رسیدن به کمال بود، نیست شده و اثری جز ساقه ای خشک و زرد در زمین دیده نمی شود.

آری؛ زندگی انسان نیز چنین خواهد بود. او از بدو تولد تا لحظه مرگ در مسیر کمال در حرکت است. البته فرق انسان با سایر موجودات این است که طبیعت، مسیر تکاملی خود را از روی جبر و بدون اختیار می پیماید، اما انسان راه راست یا انحرافی را با اختیار خود انتخاب کرده و در حرکت است.

بدیهی است که اگر موانعی در راه رشد و تکامل نباتات (مانند گندم) ایجاد شود، هرگز به مقصد نرسیده و سبب تلف شدن آن می گردد.

انسان نیز پس از آن که در مسیر کمال قرار گرفت، اگر در برابر خود مانعی مشاهده کند، باید برای رفع مانع کوشش نموده و مسیر رسیدن به کمال حقیقی را برای خود هموار نماید.

بدون تردید، موانع فراوانی از قبیل هواهای نفسانی و شهوات حیوانی و عوامل بیرونی و درونی، همانند سرعت گیری بزرگ در اتوبان تقوا و کمال انسان قرار دارد. بنابراین، باید کوشید تا آن موانع را از بین برد و با خیالی آسوده به حرکت در مسیر حق و حقیقت ادامه داد.

گفتنی است که یکی از موانع بزرگ که بر سر راه هر انسانی قرار دارد، ارتباطات اجتماعی است، که گاهی نه تنها مانع پیمودن راه می باشد، بلکه موجب انحراف و دوری او از مسیر مستقیم الهی نیز خواهد شد.

چه بسیار انسان های صالحی که با سعی و تلاش در مسیر کمال قرار گرفتند، اما بدون بینش و آگاهی لازم، دل به هر کس و ناکسی سپردند و سرانجام از راه درست منحرف

شدند.

آری؛ این است معنای آیه شریفه ای که می فرماید:

دوستی های دنیایی در قیامت مبدل به دشمنی خواهد شد و آنان انحراف خویش را به گردن یکدیگر می اندازند و آرزو می کنند که ای کاش با دوستان ناباب نشست و برخاست نمی کردند و اجازه نمی دادند که دیگران، آن ها را از حرکت در مسیر حق و کمال بازدارند!

و چه زیبا شاعر سروده است:

می رود از سینه ها در سینه ها

از ره پنهان صلاح و کینه ها

صحبت صالح تو را صالح کند

صحبت طالح تو را طالح کند

\*\*\*

با بدان کم نشین که صحبت بد

گر چه خوبی، تو را پلید کند

آفتاب به این بزرگی را

لگه ابری ناپدید کند

## دوستی در قرآن

اهمیت دوستی و رفاقت تا حدی است که خداوند متعال در قرآن تصریح نموده که در روز قیامت، گروهی از منحرفان و کسانی که مشمول عذاب الهی می شوند، از دوستان و همنشینان ناباب خود می نالند.

آیات ۲۷ تا ۲۹ از سوره مبارک «فرقان» در مورد همین مسأله نازل شده است. در آیه ۲۷ از این سوره می خوانیم:

«يَا وَيْلَتَا لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»

ای وای بر من! کاش فلانی را به عنوان دوست بر نمی گزیدم.

در شأن نزول این آیه، داستان عجیبی نقل شده است، که در این جا به طور خلاصه به آن ماجرا اشاره می کنیم:

در دوران زندگی رسول خداصلی الله علیه وآله دو نفر به نام «أَبِي» و «عُقْبَةُ» زندگی می کردند. عادت «عُقْبَةُ» بر این بود که هرگاه از مسافرت بر می گشت، مجلس مهمانی ترتیب می داد و گروهی از دوستان و آشنایان خود را پذیرایی می نمود.

روزی پس از فراهم آوردن مقدمات مهمانی، مجلسی برپا کرد و گروهی را دعوت نمود و در میان دوستانش، رسول خداصلی الله علیه وآله

را نیز دعوت کرده بود. سفره غذا گسترده شد و همه مهمانان شروع به خوردن غذا نمودند؛ اما رسول خدا صلی الله علیه و آله همچنان نشسته بودند و غذا نمی خوردند.

«عقبه» خطاب به حضرت عرض کرد: چرا نمی خورید؟

حضرت فرمودند: ای عقبه! من از غذای شما نمی خورم؛ مگر آن که اسلام بیاوری.

پس از چند لحظه گفتگو، عقبه «شهادتین» را بر زبان جاری کرد و مسلمان شد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از غذای او خوردند.

این خبر به سرعت در شهر پیچید و دوستش «أَبِی» نیز متوجه مسلمان شدن عقبه گردید. او با عجله نزد عقبه آمد و گفت: چرا از دین اجداد خود خارج شدی؟ و به شدت او را نکوهش کرد.

عقبه گفت: من از دین اجدادم خارج نشده‌ام؛ مردی حاضر به خوردن غذای من نبود و من برای این که او گرسنه از سر سفره برنخیزد، چنین کردم و به خواسته اش جامه عمل پوشاندم.

أَبِی رو به عقبه کرد و گفت: به شرطی حرف هایت را می پذیرم که جلو راه «محمد» را بگیری و او را دشنام و ناسزا بگویی.

سرانجام عقبه فریب دوست بد خود را خورد و بر سر راه رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت و هر چه از دهانش بیرون آمد، نثار ایشان نمود. اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با صبر و مهربانی از کنار عقبه گذشتند.

تا این که عقبه در جنگ «بدر» در لشکر دشمن قرار گرفت و کشته شد و دوستش أَبِی نیز در جنگ احد به درک واصل گردید.

همین امر سبب شد تا آیه ۲۷ از سوره فرقان نازل گردد و سرانجام کسی را که به دست دوست خود منحرف گشته

و با کفر به هلاکت رسیده، بیان کند.

با توجه به این داستان عجیب، باید دقت کرد که به راستی چه تعداد از مردم - به ویژه جوانان عزیز - به دلیل تأثیرات منفی دوستان، از مقدسات و اعتقادات خود دست می کشند؟!

چه بسیار جوانانی که به علت رفاقت با افراد بی لیاقت، فاسد و منحرف گشته، سرانجامشان مانند دو رفیق مرتد زمان رسول خداصلی الله علیه وآله می شود و آن گاه جز حسرت و اندوه، حاصل کارشان نیست.

پس بیاید بار دیگر با دقت، دوستان خود را سنجیده گزینش و واری کنیم و خود نیز بکوشیم دوستان خوبی برای دوستانمان باشیم.

## آیه ای دیگر

قرآن کریم در آیه ای دیگر به نکته زیبایی اشاره کرده، می فرماید:

در روز قیامت، دوستی هایی که برای غیر خدا بوده است، همه تبدیل به دشمنی می شود.

دوستی هایی که برای منافع مادی و مفساد هوس انگیز زودگذر برقرار شده، به علت این که عامل شقاوت و بدبختی گشته است، به دشمنی سختی تبدیل خواهد شد.

«الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (۳)

مرحوم علامه طباطبائی قدس سره در تفسیر شریف المیزان، ذیل آیه فوق می فرماید:

این که چرا دوستان، به استثنای متقین، دشمن یکدیگرند، به این دلیل است که لازمه دوستی طرفینی این است و هر دو یکدیگر را در امور مهم کمک می کنند، ولی گاه، این تعاون در مسیر شهوت و حرام قرار می گیرد. پس در حقیقت طرفین به بدبختی و شقاوت و عذاب دائمی یکدیگر کمک نموده اند. به خلاف دوستی های پرهیزکاران که مایه پیشرفت یکدیگر در مسیر الهی می باشند و این دوستی در روز قیامت، به سود ایشان خواهد بود. (۴)

بنابراین، لازم است که مردم - به ویژه دختران و پسران جوان - در

رفت و آمد با دوستان و همنشینان خود، این نکته را در نظر داشته باشند که مبادا با دست خود، زمینه دشمنی گروهی را با خود در قیامت فراهم آورند. جوانان باید از کسانی که مانع رشد و شکوفایی استعدادهای درونی آن‌ها می‌شوند و آنان را از مسیر تکاملی انسان منحرف می‌کنند، به شدت پرهیزند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی می‌فرمایند:

«روز قیامت، تمام آشنایی‌ها و نسبت‌ها از بین خواهد رفت.»

این که قرآن کریم به دقت کردن در برقراری دوستی پافشاری می‌کند و در ضمن آن، دشمنی در قیامت را گوشزد می‌نماید، دلیل روشنی بر اهمیت این مسأله است که در روز قیامت، دوستی گروهی از مردم تبدیل به دشمنی می‌شود و هر کدام دیگری را مایه سقوط و هلاکت خود می‌دانند و اعمال ناشایست خود را به گردن دوست خود می‌اندازند.

گرچه در قیامت هیچ چیز از مأموران و فرمانبران خداوند مخفی نخواهد ماند، اما انسان مجرمی که به دنبال راه گریز است، گناهان و مفسد اخلاقی خود را به گردن دوست و همنشین خود می‌اندازد. او فکر می‌کند که در آن جا نیز مانند دنیا، جای پهن کردن بساط زرنگی است؛ غافل از آن که:

«إِنَّ رَبَّكَ لَبَلِْمُصَادٍ» (۵)

خداوند در کمینگاه انسان‌های خلافکار و مجرم است.

### اهمیت دوستی در روایات

اکنون که به اهمیت دوستی در قرآن پی بردیم، وقت آن رسیده است تا این مهم را از دیدگاه مریبان حقیقی بشر یعنی چهارده معصوم علیهم السلام مورد بررسی قرار دهیم و آنگاه خود به قضاوت بنشینیم و دوستان و همنشینان خود را در آینده تمام نمای کلام آن بزرگواران برانداز نماییم و در آخر، خویشتن را زیر محک معیارهای اهل



بیت علیهم السلام قرار دهیم.

در این جا روایات و سخنان معصومین علیهم السلام را در مورد دوستی و اخلاق اجتماعی به چند بخش تقسیم می کنیم:

الف. اهمیت دوستی.

ب. با چه کسانی دوست شویم؟

ج. از چه کسانی قطع رابطه نماییم؟

اکنون توجه شما را به کلام گهربار آن مریبان حقیقی بشریت جلب می نمایم.

۱. امام علی علیه السلام فرمودند:

«عَلَيْكُمْ بِالْإِحْوَانِ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى : فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ».

«پیوند دوستی را با برادران دینی خود محکم سازید، که آنان ذخایر دنیا و آخرتند؛ مگر نشنیده اید که خداوند متعال (در قرآن) می فرماید: در این روز نخست نه شفيعی داریم و نه دوستی که در کارمان همت گمارد.»

آری؛ دوست حقیقی که انسان را در مسیر حق و کسب فضایل یاری می کند، از نظر امام علی علیه السلام ذخیره ای است که در دنیا و آخرت همت می گمارد و چاره جوی انسان می شود.

نکته ای که از این حدیث به دست می آید، این است که پیوند دوستی میان برادران ایمانی، نه فقط به درد دنیا می خورد، بلکه در آخرت نیز می توان از آن بهره ها گرفت و نجات یافت.

تعبیر فوق، از زیباترین تعبیرهایی است که قرآن نیز بدان اشاره نموده است. در آیه ۶۷ سوره «زخرف» می خوانیم:

«گروهی از دوستانِ دنیایی در روز قیامت دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران.»

عبارت «إِلَّا الْمُتَّقِينَ» که در آیه فوق آمده است، همان معنایی را می رساند که در حدیث مزبور، امام علی علیه السلام به آن تصریح نموده اند؛ یعنی دوستان حقیقی و کسانی که در دنیا بر مبنای معیارهای الهی با یکدیگر مرتبط بودند، به دفاع از یکدیگر بر می خیزند و همدیگر را (مثل وقتی که در دنیا

بودند) برای رسیدن به ثواب های الهی یاری می کنند.

شاید بتوان یاری کردن دوستان واقعی در قیامت را این گونه تفسیر کرد که: همان گونه که دوستان دنیایی، گناهان خود را به گردن یکدیگر می اندازند، دوستان حقیقی نیز رسیدن به سعادت و دست یافتن به مدال پرافتخار نجات و پیروزی را مرهون همنشینی با دوستان خود برمی شمارند و نقش آنان را در این کامیابی بی نظیر، مؤثر و مهم اعلان می دارند.

البته معلوم است که هیچ شادی و مسرتی به پای آن خوشحالی نخواهد رسید؛ چرا که در آن لحظه، به دلیل همین طرفداری، خود و دوستان مؤمنش را در آستانه نجات و غرق شدن در نعمت های الهی می بیند.

۲. امام علی علیه السلام فرمودند:

«أَعْجَزَ النَّاسُ مَنْ عَجَزَ عَنِ اِكْتِسَابِ الْاِخْوَانِ وَ عَجَزَ مِنْهُ ضَيِّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ».(۶)

«عاجزترین مردم کسی است که عاجز از به دست آوردن دوست باشد، و عاجزتر از او کسی است که دوستی را که به دست آورده، از دست بدهد.»

از روایت فوق نیز این نکته به دست می آید که همان گونه که انتخاب دوست در زندگی انسان از اهمیت بالایی برخوردار است، حفظ رابطه دوستی و محکم کردن ریشه های آن بین خود و دوستان، بسیار ضروری است.

بنابراین، دوستی های زودگذر و رفاقت های بی ریشه و کودکانه، نمی تواند انسان را از بی کسی و غربت نجات دهد. پس باید برای رفع احتیاجات دنیایی و آخرتی خود، بیشترین همت را در برقراری و محکم ساختن دوستی با صالحان به کار برد و هرگز به جهت ناملايمات و مشغوليات روز مژه زندگی، دوستی و رفاقت را فدا نکرد و رابطه دوستی را هر چه بیش تر مستحکم نمود.

شاید بتواند گفت که

علت این همه تأکید بر محکم نمودن ریسمان روابط میان دوستان و برادران دینی در سیره و سخنان معصومان علیهم السلام همین مطلب باشد.

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ». (۷)

«همنشین شایسته بهتر از تنهایی است، و تنهایی از همنشین بد بهتر است.»

گرچه در روایات تأکید زیادی بر انتخاب دوست شده و به معاشرت با همنوعان و گزینش آنان سفارش فراوان شده است، اما روایت فوق، شایستگی و لیاقت افراد را مدنظر قرار داده و از دوستی با افراد منحرف و ناشایست نهی کرده است.

این مسأله، خود نشانگر این نکته است که غربت و گوشه نشینی و دوری از همنوعان، در شرایطی که دوستان بد و پلید و منحرف، به جز خسارت ثمر دیگری ندارند، به طور قطع بهتر از نشست و برخاست با افرادی است که مانع پیشرفت و درخشش استعدادهای درونی انسان می شوند.

بنابراین، بر جوانان عزیز لازم است که از معاشرت با افراد فاسد و شرور و کسانی که شایستگی رفاقت و دوستی را ندارند، پرهیزند؛ چرا که تنهایی و عزلت نشینی، بهتر از همراهی کسانی است که زمینه های زشتی و انحراف را برای انسان به بار می آورند.

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أَوْلَى النَّاسِ بِأَثْمِهِمْ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التُّهْمَةِ». (۸)

«شایسته ترین مردم برای بدنامی و ننگ اجتماعی، کسی است که با بدان نشست و برخاست می کند.»

همان گونه که در صفحه های قبل اشاره کردیم، تأثیر گذاری دوست و مصاحب انسان، قهری است و خواه ناخواه انسان متأثر از دوستانش خواهد بود و خُلقیات یکدیگر را به ارث خواهند برد. از این رو، کسانی که با افراد

شور و فاسد نشست و برخاست می کنند، هر چند که خود را قوی و با اراده بدانند و بگویند ما به اخلاق و رفتار دوستان خود کاری نداریم و متأثر از آنان نخواهیم شد، اما هرگز نمی توانند از لکه دار شدن شخصیت اجتماعی خود جلوگیری نمایند.

جوان ظاهر الصلاحی که با افراد معتاد و تریاکی همنشین می شود، حتی اگر خود را از ارتکاب اعمال دوستان معتادش دور بدارد، باز هم در نظر مردم از شخصیت مثبت و ایده آلی برخوردار نخواهد بود.

ننگ اجتماعی و دیدگاه مردم در مورد آدمی، به اعتبار دوستان و مصاحبان اوست؛ به همین دلیل در روایتی از قول حضرت سلیمان علیه السلام آمده است:

«لَا تَحْكُمُوا عَلَى رَجُلٍ بِشَيْءٍ حَتَّى تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ يُصَاحِبُ فَإِنَّمَا يُعْرَفُ الرَّجُلُ بِالشُّكَاةِ وَ أَقْرَانِهِ وَ يُنْسَبُ إِلَى أَصْحَابِهِ وَ أَخْدَانِهِ».

(۹)

«درباره کسی به نیکی یا بدی قضاوت نکنید، تا دوستان و همنشینانش را ببینید؛ چرا که آدمی از امثال و نزدیکانش شناخته می شود و به صفات همنشینان و دوستان صمیمی خود توصیف می گردد.»

بنابراین، برای معرفی شخصیت اجتماعی انسان، همنشین و دوست نقش مهمی ایفا می کند، و همان گونه که نشست و برخاست با بزرگان و افراد شایسته، به انسان آبرو می بخشد و در نظر مردم امتیاز بزرگی به حساب می آید، نشست و برخاست با افراد فاسد، شور و منحرف، شخصیت اجتماعی انسان را لکه دار کرده و او را از درجه اعتبار ساقط می کند.

پس بار دیگر تأکید می کنیم که خوانندگان محترم در هر سنی قرار دارند، به ویژه دختران و پسران جوان، از نزدیک شدن به سفره های معصیت که مشتی اراذل و اوباش گسترده اند، پرهیز کرده و مواظب شخصیت اجتماعی

خود باشند.

نکته دیگری که از روایت استفاده می شود، این است که اجتناب از مواضع تهمت، از مسایلی است که عقل سلیم و شرع مقدس اسلام، آن را مورد تأکید قرار داده است.

رمز پیروزی بسیاری از کسانی که به مدال پرافتخار موفقیت دست یافته اند، این است که دل به هر کس نسپرده، از مواضع تهمت و رفت آمد با افراد فاسد خودداری کرده، دوستان خود را زیر ذره بین عقل قرار داده و با وسواس و دقت فراوان، خود را از مواضع تهمت دور نموده اند.

چه بسیار جوانانی که به دلیل نداشتن بینش در انتخاب دوست، با افرادی مصاحب شدند که آنان را از درجه اعتبار ساقط نموده و از چشم عموم انداختند و با این کار، زمینه های تهمت را برای خود فراهم کردند و ناخواسته به اوصاف زشت و ناپسند دوستان خود شهرت یافتند.

### با چه کسانی دوست شویم؟

شرایط و اوصاف دوستان و همنشینان، از مسایل بسیار مهمی است که در روایات چهارده معصوم علیهم السلام مورد تأکید قرار گرفته است.

به راستی چه کسی شایستگی دوستی دارد؟ چگونه باید دوستان حقیقی را انتخاب نمود؟ و به طور کلی شرایط یک دوست خوب چیست؟

پیش از آن که سؤالات فوق را از دیدگاه والیان امر یعنی مریدان حقیقی بشر که همان معصومان علیهم السلام هستند، مورد بررسی قرار دهیم، توجه شما را به نکته ای دقیق و لازم جلب می نمایم:

هیچ مسأله ای در زندگی بشر به اندازه «انتخاب» و گزینش اهمیت ندارد. انسان همیشه بر سر دو راهی است. صبح که از خواب برمی خیزد، با این سؤال مواجه می شود که: امروز چه کند؟ نسبت به مشکلات روزمره اش چه برخوردی داشته باشد؟ و تا چه اندازه فرصت را

صرف فلان کار نماید؟

این سؤالات از مسایلی است که هر انسانی، خواه ناخواه، با آن روبرو است.

حال سخن این است که انسان چگونه آینده خود را با سؤالات مهم دیگری که پیش رو دارد، رقم بزند و بداند آیا موفق خواهد شد یا نه؟

در جواب این سؤال، گفتنی است که اگر آدمی با بینش و آگاهی لازم وارد کارزار زندگی شود، هرگز دچار شکست نخواهد شد. اگر درست انتخاب کند و خوب و بد را با دیدی باز در نظر بگیرد و پس از انتخابی صحیح، با جدیت و کوشش به فعالیت پردازد، به طور قطع و یقین به هدف دست خواهد یافت و به اوج موفقیت خواهد رسید.

انتخاب دوست و همنشین نیز یکی از سؤالات مهم و قابل توجه برای انسان است. هر کسی حق دارد از خود سؤال نماید که با چه کسی دوست شوم و ارتباط اجتماعی خود را با چه کسی محدود نمایم؟ بنابراین، آگاهی و بینش دقیق درباره این مسأله ضروری است؛ چرا که دوست و همنشین، نقش تعیین کننده ای در آینده و موفقیت یا شکست انسان ایفا می کند.

با توجه به مطلب فوق، کسانی که بر سر دو راهی انتخاب قرار گرفته اند، باید این نکته را مدنظر داشته باشند و بیش از پیش دقت به خرج داده و مسیر دوست یابی را با بینشی صحیح پیمایند، و دل را قلمرو محبت هر کسی قرار ندهند، تا به پیروزی های درخشانی نایل آیند.

به این مثال توجه نمایید:

فرض کنید یکی از آشنایان شما ازدواج کرده است و شما برای شرکت در آن مجلس دعوت شده اید. با خود فکر می کنید که باید هدیه ای تهیه نمایید. پس

از ساعت ها فکر، به این نتیجه می رسید که برای شرکت در این مجلس، دسته گلی خریده و با دست پر گل وارد شوید.

به همین منظور به مغازه گل فروشی می روید. گل های موجود در مغازه سه دسته اند:

۱. گل هایی که ظاهر زیبایی دارند و هم باطن زیبایی؛ یعنی هم قشنگ هستند و هم خوشبو؛

۲. گل هایی که ظاهر زیبایی ندارند، ولی از بوی خوبی برخوردارند؛

۳. گل هایی که ظاهر زیبایی دارند، اما بوی خوبی نمی دهند.

اکنون شما کدام دسته گل را انتخاب می کنید؟ آیا تا گل زیبای خوشبویی هست، انسان عاقل سراغ گل های دیگر می رود؟!

آیا گل خوشبویی که از ظاهر زیبایی نیز برخوردار است، بهتر از گل زیبای بدبو نیست؟

بنابراین، ما نیز باید در مورد انتخاب دوست و رفیق خود چنین نکته ای را در نظر داشته باشیم.

مبادا از روی احساسات و با فقط در نظر آوردن زیبایی ظاهر، دل به هر کس و ناکسی ببندیم. مبادا زمینه ای را فراهم کنیم که افراد فاسد و شرور، ما را به عنوان دوست برگزینند و سرانجام با هزار فریب و نیرنگ، ما را در کام فساد و انحراف بکشانند؛ چرا که ممکن است کار از کار بگذرد و تمام پل های پشت سر ویران گردد و دیگر فرصت بازسازی آن هرگز فراهم نیاید، و کار آدمی به جایی برسد که به خود بگوید:

ای کاش ظرف خاطره هایم را در اقیانوس فراموشی غرق نمی کردم و در جاده گناه و عصیان سرعت نمی گرفتم.

کاش اهداف مقدّس و الهی خود را تباه نمی نمودم و خویش را به بند می کشیدم و تالب گور از دوستان حقیقی جدا نمی شدم.

کاش نیاز خود را در برابر نامحرمان دوست نما به حراج

نمی گذاشتم و قیمت کالای زندگی ام را نمی شکستم، تا بازار دوستی ام چنین کساد نشود.

کاش در روابط غیر خدایی، نفس خود را به آب و آتش نمی زدم و این چنین آبروی خود را در برابر حق، در کاسه ای از شراب شهوت سر نمی کشیدم.

و کاش و صدها ای کاش دیگر.

## ویژگی های همنشین خوب

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمودند:

«قَالَ الْحَوَّارِيُّونَ لِعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ: يَا رُوحَ اللَّهِ مَنْ نُجَالِسُ؟»

قال: مَنْ يُدْكِرُكُمْ اللَّهُ رُؤْيَتَهُ وَ يَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَ يُرْعِبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ». (۱۰)

«حواریون به حضرت عیسی علیه السلام گفتند: یا روح الله! با چه کسی همنشین شویم؟»

فرمود: با کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد و منطق و سخنش علم شما را زیاد کند و کردارش شما را به آخرت مشتاق نماید.»

در این حدیث، سه شرط برای دوستان و همنشینان ذکر شده است:

## شرط اول: دیدن او، شما را به یاد خدا بیندازد

گروهی از دوستان به علت ارتباط خالصانه که با محبوب واقعی خود یعنی خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام پیدا کرده اند، رنگ و لعاب الهی خیره کننده ای به خود گرفته اند.

آنان به شدت شیفته لقای پروردگار بوده و این اشتیاق در تمام حرکات و رفتارهای اجتماعی آنان دیده می شود و ناخودآگاه انسان را به یاد امور معنوی و عبادت خداوند می اندازند.

فرض کنید یکی از خادمان حرم حضرت رضاعلیه السلام را در خیابان ببینید؛ بدیهی است که ناخودآگاه به یاد شکوه و جلوه حرم این امام همام خواهید افتاد.

دوستان حقیقی انسان نیز باید این چنین باشند؛ یعنی ملاقات با آنان آدمی را به یاد خداوند و یاد معشوق حقیقی دل های سالم و پاک یعنی حضرت ولی عصر(ارواحنا له الفداه) بیندازد.

بر عکس مثال فوق نیز صحت دارد؛ یعنی اگر شما شخص فاسد و منحرفی - که از هیچ گناهی فرو گذار نیست و علناً مرتکب حرام می شود - را ببینید، آیا وجودش شما را به یاد شیطان نمی اندازد؟ آیا از او تنفر پیدا نمی کنید؟



بنابراین، همان گونه که دیدن گروهی، انسان را به یاد گناه و فساد می اندازد، زیارت برخی

که دارای کمالات اخلاقی می باشند، ذهن انسان را به یاد حق تعالی منور می نماید. پس بر ما لازم است که این شرط مهم و اساسی را مدنظر داشته و دوستانی را برگزینیم که ما را به یاد خدا متذکر شوند و فضایل و کمالات معنوی را به ما هدیه دهند.

### **شرط دوم: همنشینی با او، علم شما را افزون گرداند**

نشست و برخاست با کسانی که قطره ای از دریای بی کران معارف الهی نوش جان کرده و خود را متّصف به صفات عالی انسانی نموده اند، ثمرات زیادی دارد، که یکی از آن ها این است که بر علم و دانش انسان می افزاید.

اکنون خاطره ای از خود (مؤلف) در همین زمینه نقل می کنم:

هنوز دوازده بهار از عمرم نگذشته بود که با پیشنهاد دبیر دینی ام وارد حوزه علمیه ذوالفقاری اصفهان شدم.

بعد از ورود به حوزه، با اساتید و دوستانی آشنا گردیدم که به حق مجالست و معاشرت با آنان مایه مباهات و فخر و عزّت بود.

و خداوند را شاکرم که توفیق و افتخار همنشینی و کسب فیض از اساتید بزرگی همچون مرحوم آیت الله حاج سید احمد فقیه امامی (ره) و پدری دلسوز و استادی فرزانه حضرت آیت الله حاج آقا حسن امامی (روحی فداه) و آیت الله حاج شیخ علی اکبر فقیه و دیگر اساتید را شامل حالم نمود. و اگر نبود مواعظ و نصایح و اوامر و نواهی این بزرگواران، معلوم نبود در کدام مسیر قرار می گرفتم.

هرگاه در مجلسی با مرحوم آیت الله امامی برخورد می نمودم، به نکته تازه ای می رسیدم و امروز تمامی توفیقات خود را مرهون زحمات و سفارش های استادی همچون آیت الله حاج آقا حسن امامی (روحی فداه) می دانم.

جوانان عزیز! شما نیز سعی کنید در مسیر زندگی خود با

عالمان و دانشمندان رابطه صمیمانه ای برقرار نمایند و بخشی از اوقات خویش را به بهره بردن از این قشر مهم علمی اختصاص دهید. علما، وارثان پیامبرانند و از همه مهم تر این که آنان در مسایل اجتماعی، محرم اسرار بندگان خداوند هستند.

جوانان عزیز! شما می توانید با برقراری رابطه دوستی با یک عالم و دانشمند دینی، باب جدیدی به روی خود باز کنید و اسرار درونی خود را به او بگویید و مطمئن باشید که او اسرار شما را برای دیگران بازگو نمی کند و در مشکلات زندگی، با ارایه راه حل های شرعی، سالم و منطقی، شما را یاری می نماید.

### **شرط سوم: رفتار شما را به یاد آخرت بیندازد**

آخرین شرطی که در حدیث مزبور مدنظر قرار گرفته، این است که: حرکات و رفتار او شما را به یاد آخرت بیندازد.

شخصی که همواره در کوچه پس کوچه های لاابالی گری سرگردان است و اصول زندگی اش را «خوراک، پوشاک و مسکن» قرار داده، چگونه می تواند از شخصیت درونی والایی برخوردار باشد.

آیا به راستی هنگام مواجه شدن با چنین افرادی، که مادی گرا و به دور از معنویت هستند، احساس ناراحتی نمی کنید؟ آیا کسی که فقط به فکر دنیا است و از هیچ کار زشتی برای پیشبرد اهداف شیطانی خود دریغ ندارد، می تواند آینده ما را تأمین نماید؟

فردی که عمر پُر قیمت و با ارزش را همچون حیوانات به امور شکمی و شهوت صرف می نماید، چگونه می تواند دوست ایده آلی برای ما باشد؟

پس بیایید به فکر دوستی باشیم که اگر تمام دنیا را هم یک جا به او دادند، حاضر به گناه و معصیت نشود؛ دوستی که در آشکار و نهان ترس از خدا داشته باشد و عملش ما را به

یاد آخرت بیندازد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«همنشینی با اهل دیانت و دینداران، موجب شرافت و برتری در دنیا و آخرت است.» (۱۱)

### شرایط دوست خوب از نظر امام حسن علیه السلام

«جُناده بن ابی اُمیّه» می گوید:

در آخرین لحظات عمر شریف امام حسن مجتبی علیه السلام، خود را به بالین آن حضرت رساندم. دیدم در مقابل ایشان طشتی قرار داشت، که به دلیل سَمّی که «معاویه بن ابی سفیان» ملعون با نقشه ای مرموزانه توسط جُعبده ملعونه به ایشان خورانده بود، لخته های خون از دهان شریفشان به درون طشت فرو می ریخت.

پس فرصت را مغتنم شمردم و خطاب به ایشان عرض کردم:

مولای من! در این لحظات آخر، مرا موعظه نما و از سفارش های خود بهره مند ساز.

حضرت، وصیت مفصلی انشا نمودند و ضمن آن فرمودند:

«و از برای دنیای خود چنان کار کن که گویا همیشه خواهی بود و برای آخرت چنان کار کن که گویا فردا می میری. اگر می خواهی در حالت تنهایی عزیز باشی و عزت داشته باشی، از ذلت معصیت خداوند به سوی طاعتش خارج شو.

هر گاه خواستی با کسی همنشین شوی و کسی را به عنوان دوست برگزینی، همراه کسی شو که همراهی او زینت تو باشد و اگر او را خدمت کنی، تو را محافظت نماید و اگر از او یاری خواستی، تو را یاری کند و اگر سخنی گفتی، تو را تصدیق کند و اگر بر دشمنی حمله کردی، تو را تقویت نماید و اگر دستی دراز نمودی، به تو احسان کند و اگر رخنه ای در حال تو ظاهر شد، آن را پرنماید و اگر از تو نیکی دید، آن را آشکار کند و اگر سؤالی کردی، عطا نماید و اگر ساکت شدی، شروع

به صحبت نماید و اگر بلایی به تو رسید، آزرده شود.

دوست تو باید کسی باشد که از او به تو مصیبتی نرسد و به سبب او ضرری به تو وارد نگردد و وقتی حقوق ضروری پیش آمد، تو را تنها نگذارد و اگر با یکدیگر نزاع کنید، تو را بر خود ترجیح دهد.»

«جُناده» می گوید: چون سخنان حضرت به این جا رسید، رنگ مبارکش تغییر کرد و نفس شریفش قطع شد و در حالی که سر مبارکش بر سینه برادر بزرگوارش امام حسین علیه السلام بود، شربت شهادت را نوش جان کرد. (۱۲)

حرف های جدی و مهم، معمولاً در آخرین لحظات دیدار زده می شود و از آن جا که چنین سفارش هایی کم تر فراموش می شود، شرع مقدس اسلام سفارش به «وصیت» کرده است.

به راستی مسأله دوستی و رفاقت، چقدر اهمیّت دارد که امام حسن مجتبی علیه السلام در آخرین لحظات عمر شریف خود، این چنین روی آن پافشاری می کنند.

اوصاف و شرایط دوستی را که حضرت در آن لحظات مهم مدنظر قرار دادند، به طور قطع باید مورد توجه و دقت و اهمیّت فراوان قرارداد و بر ماست که همیشه با پیروی از سخنان گهربار آن حضرت در انتخاب دوست، شرایط و اوصاف مذکور را در نظر داشته باشیم.

### **دوست کامل در کلام امام صادق علیه السلام**

در پایان این بخش، توجه شما را به یک روایت زیبا و خواندنی از امام صادق علیه السلام جلب می نمایم:

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«الصِّدَاقَةُ مَحْدُودَةٌ فَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ تِلْكَ الْحُدُودِ فَلَا تَنْسِبْهُ إِلَى كَمَالِ الصِّدَاقِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ تِلْكَ الْحُدُودِ فَلَا تَنْسِبْهُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الصِّدَاقِ: أَوَّلُهَا: أَنْ تَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَ عَلَانِيَتُهُ لَكَ وَاحِدَةً وَ الثَّانِيَةُ: أَنْ يَرَى زَيْنُكَ

زَيْنُهُ وَ شَيْئِكَ شَيْئُهُ وَ الثَّالِثَةُ: لَا يُغَيِّرُهُ عَنْكَ مَالٌ وَلَا - وَلَا يَهُ وَ الرَّابِعَةُ: أَنْ لَا يَمْنَعِيكَ شَيْئًا مِمَّا تَسَلُّ إِلَيْهِ مَقْدُورَتَهُ وَ الْخَامِسَةُ: لَا يُسَلِّمُكَ عِنْدَ النَّكْبَاتِ. (۱۳)

«دوستی و رفاقت حدودی دارد. کسی که در بردارنده تمام آن حدود نیست، نمی تواند دوست کاملی باشد. آن حدود عبارتند از:

۱. ظاهر و باطنش با تو یکسان باشد؛

۲. زینت تو را زینت خود و زشتی و پلیدی تو را زشتی خود بداند؛

۳. دست یافتن او به مال یا مقام، در چگونگی رابطه اش با تو تغییری ایجاد نکند؛

۴. از آنچه در دست دارد، از تو مضایقه ننماید؛

۵. هنگام ناراحتی و سختی ها، تو را تنها نگذارد.

پنج شرط فوق که مورد تأکید امام ششم علیه السلام قرار گرفته، از مهم ترین شرایط دوستان حقیقی است.

برخی از افراد در ظاهر ادعای دوستی می کنند، اما در باطن دچار نفاق هستند. اینان چون نفع خود را در نزد شخصی ببینند، اظهار دوستی می نمایند و همین که نیازشان برطرف گردید، همه چیز را زیر پا می نهند و در یک کلام، انسان های دو رنگ و دو چهره اند.

امام علی علیه السلام در حدیثی این گروه را مورد لعن و نفرین قرار داده اند که: از رحمت خدا دور باد انسان مُتَلَوَّن و دو رو.

گروهی از افراد نیز زینت دوست خود را زینت خود می دانند، اما همین که کار زشتی از او سرزد و یا دچار حادثه تلخ معصیت و انحراف از صراط مستقیم شد، او را تنها می گذارند و زشتی او را از خود نمی دانند. این گروه نیز از نظر حضرت صادق علیه السلام نمی توانند دوست خوبی برای انسان باشند.

دسته ای هم، چون به مال و مقام دست یابند، دچار غرور و

کبر می شوند و در برخوردهای معمولی همیشگی، دچار نفاق می گردند. اینان نیز شرط دوست حقیقی را نداشته و باید از آن ها پرهیز نمود.

عده ای نیز در سختی و بلاها و جاهایی که انسان نیاز به تکیه گاه دارد، آدمی را تنها گذاشته و از مال و کمک خود مضایقه می کنند. این گروه نیز شرط دوستی را مراعات نکرده و از زمره دوستان خارج می شوند.

آتش روی بُتان بر خود مزن

ورنه از آتش گذر کن چون خلیل

یا مکن با پیل بانان دوستی

یا بنا کن خانه ای در خورد پیل

**با چه کسانی رفاقت نکنیم؟**

**با چه کسانی رفاقت نکنیم؟**

پس از آن که دوستی و رفاقت و شرایط و اوصاف آن را از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام بررسی نمودیم، اینک وقت آن رسیده است که نظر مریبان حقیقی اسلام یعنی چهارده معصوم علیهم السلام را در مورد صفات و خُلُقِیَّات دوستان ناباب مورد توجه قرار دهیم. اما پیش از ذکر روایات و بررسی صفات دوستان ناباب، توجه به نکته ای زیبا لازم است.

تمام نعمت های الهی از قبیل علم، شهرت، ثروت، همسر شایسته و دوستان و همنشینان صالح، در صورتی برای انسان حاصل می شود که عواملی فراهم گردد. یکی از بزرگ ترین عوامل آن، مشیت الهی و خواست خداوند است و پس از آن، عامل مهمی وجود دارد به نام ظرفیت.

در یک کلام می توان گفت: تا ظرفیت برای انسان حاصل نشود، امکان متنعم شدن به نعمت های الهی نخواهد بود. چه بسیار افرادی که در خیال خود، برخوردار از نعمت های ظاهری دنیایی را حق خود دانسته اند، اما در واقع، داشتن آن نعمت ها برایشان خیری نداشته و در اصل برای آنان شرّ بوده است.

شخصی با خود فکر می کند که چرا من ثروت

ندارم یا چرا شهرت نیافتم؟ و این حقّ من است که از این نعمت‌ها برخوردار شوم؛ اما او حقیقت امر را ندانسته و از آن جا که ظرفیت تحمل آن نعمت را در خود ایجاد نکرده، از برخورداری آن نعمت مورد نظر محروم مانده است.

نکته مهمی که در این قسمت قابل توجه می باشد، این است که ایجاد ظرفیت برای برخورداری از نعمت‌های دنیوی، «اکتسابی» است؛ یعنی می توان گفت شخصی که تا دیروز از داشتن ظرفیت محروم بود، امروز با توسل به کارهای نیک و پسندیده، دریای بی کران رحمت الهی را خروشان نموده و این عامل مهم را برای خود ایجاد کرده است.

با توجه به نکته فوق، دوستان و همنشینانی که صفات مذموم و پلید را در خود پرورش داده اند، نه تنها مانع رشد کمالات انسانی می شوند، بلکه گاهی انسان را از کسب عامل مهم «ظرفیت» بی بهره می نمایند.

چه بسیار جوانان پاکی که به دلیل رفاقت‌های غیر مجاز، تن به روابط غیر مشروع دادند و حتی ظرفیت کاملی را که پیش از آن برای خود فراهم کرده بودند، از بین برده و در گوشه ای زانوی انتظار مرگ را بغل نمودند.

پسر یا دختر جوانی را تصور کنید که از تمام مزایای زندگی بهره مند است. او با داشتن فرصت‌های مناسب، می توانست آینده درخشانی در پیش رو داشته باشد؛ یعنی تحصیلات عالی خود را به اتمام برساند و پس از تشکیل خانواده، در راه رفع نیازهای جامعه و خانواده خود به تلاش و کوشش پردازد.

این شخص اگر در مسیر زندگی خود، حدود الهی و بایدها و نبایدهای شرع مقدّس اسلام را در نظر نگیرد و بر سر سفره‌های فاسد و



شیطانی بنشیند، به طور قطع زمینه سقوط و انحطاط خود را فراهم می آورد و از بهره مند شدن نعمت های الهی محروم می ماند. نام دیگر این محروم ماندن، از بین بردن ظرفیت است، که عامل مهمی در به دست آوردن نعمت های الهی محسوب می شود.

ناگفته نماند که این عامل، تمام علت نیست، بلکه در مجموع علل و عوامل، می تواند از مهم ترین آن ها به شمار آید.

بنابر این، بر کسی مخفی نیست که دوستی و رفاقت، نقش مهمی در آینده انسان ایفا می کند و تأثیر تعیین کننده ای در به دست آوردن موفقیت های آینده دارد.

برادر و خواهر عزیز!

شرایط و اوصافی که اینک به آن اشاره می کنیم، از طرف کسانی مطرح شده که علم و دانش و آگاهی آنان، لَدُنَّی است. پس خوب توجه کنید و برای برخوردار شدن از یک زندگی شرافتمندانه، دوستان خود را زیر ذره بین دقت قرار دهید. مبادا با دست خود شرایطی را فراهم نمایید که پس از گذشت سال ها، پشیمانی به بار آید و گاه خسارات ناشی از آن غیر قابل جبران باشد.

### پرهیز از شرور

امام علی علیه السلام فرمودند:

«لَا تَصْحَبُ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ» (۱۴)

«با مردم شرور و فاسد مصاحبت نکن؛ چرا که طبیعت تو بدی و ناپاکی را از او می دزدد، در حالی که تو از آن بی خبری.»

### پرهیز از چابلوس

امام علی علیه السلام فرمودند:

«لَا تَصْحَبُ الْمَالِقَ، فَيَزِيْنُ لَكَ فِعْلَهُ وَ يُوَدُّ أَنْكَ مِثْلَهُ» (۱۵)

«با چابلوس مصاحبت مکن؛ چرا که تو را اغفال می کند و دوست دارد تو نیز مانند وی باشی.»

### شرایط پنج گانه

از حضرت باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند: پدرم به من سفارش کرد که با پنج گروه مصاحبت و دوستی نکنم:

۱. فاسق؛ چرا که تو را با لقمه نانی، بلکه کم تر از آن می فروشد.

پرسیدم: پدر جان! کم تر از یک لقمه نان چگونه می شود؟

فرمودند: گاهی به طمع لقمه ای، انسان را می فروشد و آن لقمه را نمی یابد.

۲. بخیل؛ چرا که او از بخشش مال و ثروتش، در وقت سختی و نیازمندی تو به آن جلوگیری می کند.

۳. دروغگو؛ زیرا او مانند سراب است؛ دور را به تو نزدیک و نزدیک را برایت دور نشان می دهد.

۴. احمق؛ زیرا او می خواهد به تو نفعی برساند، ولی از روی نادانی به تو ضرر می رساند.

۵. قاطع رَحِم؛ چرا که خداوند متعال او را در سه جای قرآن لعن نموده است.

### نتیجه معاشرت

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَا تَجْلِسُوا إِلَّا عِنْدَ مَن يَدْعُوكُمْ مِنَ الْخَمْسِ إِلَى الْخَمْسِ: مِنَ الشَّكِّ إِلَى الْيَقِينِ وَمِنَ الْكِبَرِ إِلَى التَّوَاضُّعِ وَمِنَ الرِّيَاءِ إِلَى الْإِحْلَاصِ وَمِنَ الْعَدَاوَةِ إِلَى النَّصِيحَةِ وَمِنَ الرَّغْبَةِ إِلَى الزُّهْدِ» (۱۶)

«نشینید نزد کسی، مگر آن که شما را از پنج چیز به پنج چیز فراخواند:

۱. از شک به یقین؛

۲. از کبر به فروتنی؛

۳. از ریا و خودنمایی به اخلاص؛

۴. از دشمنی با مردم به خیرخواهی؛

۵. از رغبت به دنیا، به زهد و کناره گیری از آن.»

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«لَا خَيْرَ فِي صُحْبِهِ مَن لَّا يَرَى لَكَ مِنَ الْحَقِّ» (۱۷)

«خیری در همنشینی با کسی نیست که برای تو حقی قایل نباشد.»

چون شمشیر

امام جواد علیه السلام فرمودند:

«إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ يَحْسُنَ مَنظَرُهُ وَ يَفْبَحُ أَثَرُهُ» (۱۸)

«بپرهیز از همنشینی با شرور؛ چرا که او همانند شمشیر برهنه

است؛ ظاهری زیبا و اثری زشت دارد.»

## هلاکت و بدبختی

امام علی علیه السلام فرمودند:

«إِيَّاكَ وَصُحْبَهُ مَنْ أَلْهَاكَ وَاعْرَاكَ؛ فَإِنَّهُ يَحْزُلُكَ وَ يُؤَبِّقُكَ» (۱۹)

«بپرهیز از همنشینی با کسی که اغفالت می کند و تو را فریب می دهد؛ چرا که سرانجام مایه خواری و هلاکت تو خواهد شد.»

## نکته خواندنی

از «ابراهیم بن ادهم» پرسیدند: چرا با مردم معاشرت نمی کنی؟

پاسخ داد: اگر با کم تر از خودم معاشرت کنم، از نادانی او در رنج خواهم بود و اگر با برتر از خودم رفاقت نمایم، بامن تکبر کند و اگر با همچون خودم معاشرت نمایم، بر من حسد ورزد، بنابراین با کسی رفیق شده ام که نه از صحبتش در رنج و نه در وصالش زوال و نه در اُنس با او وحشتی کنم و او کسی نیست جز خدای متعال.

## شبهت های دوست خوب و آینه

اکنون یک بار دیگر روایات ارزشمند صفحات پیش را مطالعه نمایید و سپس در مورد خویش و دوستان خود خوب فکر کنید. به راستی تا چه حد توانسته اید این شرایط را در خویش ایجاد نموده و دوست قابل قبولی برای دوستان خود باشید؟ آیا تا به حال دم از دوستی می زدید (یا می زنند) و یا در حقیقت با دوستان خود چون یک روح در دو پیکر بوده اید؟ اگر این گونه باشید که «طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَا بَ» و گرنه حتماً در دوستی تجدید نظر نمایید که فردا دیر است. به همین جهت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«الْمُؤْمِنُ مِرَاةُ الْمُؤْمِنِ»

مؤمن آینه مؤمن است.

در این جا، ۳۰ صفت از صفات آینه را که باید در دوست خوب و مؤمن نیز وجود داشته باشد، یاد آور می شویم:

## ۳۰ صفت از صفات آینه و دوست خوب

۱. آینه، هم خوبی را نشان می دهد و هم بدی را.

دو دوست نیز باید همچون آینه تمامی محسنات و معایب را به هم گوشزد نمایند.

۲. آینه، خوبی و بدی را بدون واسطه بیان می کند و تمامی مطلب را به خود شخص می گوید، نه به دیگری.

دو رفیق نیز باید همچون آینه، اگر معایبی وجود دارد، آن را به یکدیگر گوشزد نمایند و واسطه ای بین خودشان قرار ندهند.

۳. آینه، عیب و حُسن را بدون سر و صدا می گوید و فریاد نمی زند.

دو یار و دوست هم باید آبروی یکدیگر را حفظ کنند و با فریاد و دعوا آبروی یکدیگر نریزند و بدون سر و صدا مطالب را به همدیگر بیان کنند.

۴. آینه، اگر عیبی را می گوید، نمی خواهد طرفش را مسخره کند یا تحقیر و کوچک نماید، بلکه با اخلاص کارش را انجام می دهد.

دو

دوست هم باید همچون آینه، مطالب را به گونه ای بیان کنند که دیگری احساس نکند دوستش قصد تمسخر یا تحقیر دارد.

۵. آینه، وقتی خوبی را نشان می دهد، قصد تملق گویی ندارد.

دو رفیق نیز باید همچون آینه، اگر خوبی همدیگر را می گویند، قصد چاپلوسی نداشته باشند.

۶. آینه، از احدی نمی ترسد و فقط به وظیفه اش عمل می کند.

دو دوست هم نباید ترسی از همدیگر داشته باشند و اگر معایبی از هم می بینند، کتمان کنند.

۷. آینه، اگر خرد و شکسته هم شود، باز دست از صفات خود برنمی دارد و به کارش ادامه می دهد.

دو یار شفیق نیز باید همچون آینه باشند؛ یعنی اگر با عصبانیت شکسته شدند، دست از وظیفه دوستی و رفاقتشان برندارند.

۸. آینه، با کمک آینه ای دیگر، می تواند پشت سر انسان را نشان دهد.

دو دوست هم باید با کمک یکدیگر، آنچه را که در غیاب آنان گفته می شود، به یکدیگر گوشزد نمایند.

۹. آینه، ارزشش به آینه بودن آن است.

دو رفیق هم باید ارزششان را به صفات اخلاقی و ایمانی بدانند، نه به مال، شهرت، ریاست و چیزهای دیگر دل ببندند یا طمع کنند.

۱۰. آینه، شیشه ای بوده که با ماده ای به نام جیوه تبدیل به آینه شده است و اگر این ماده (جیوه) از بین برود، شیشه ای بیش نخواهد بود.

دو یار و غمخوار هم باید بدانند اگر ارزشی دارند، به دلیل شعور، درک، ایمان، ظرفیت و صفات اخلاقی است، و آلا اگر این صفات از بین برود، به درد هم نخواهند خورد.

۱۱. آینه، برای بیان خوبی یا بدی از کسی مُزد نمی گیرد.

دو دوست نیز باید از یکدیگر توقع و انتظار بی جا نداشته و خالصانه در خدمت یکدیگر باشند.

۱۲. آینه،

با کسی کینه ندارد و به خاطر معایب کسی اخم نمی کند و همه را در هر حالی و زمانی می پذیرد.

دو دوست و غمخوار نیز باید همچون آینه باشند و نسبت به یکدیگر کینه به دل نگیرند.

۱۳. آینه، با هیچ کس تعارف و رو درباستی ندارد و همیشه به وظیفه اش عمل می کند.

دو دوست نیز باید همچون آینه، چیزی را از هم پنهان نکنند و کاملاً شفاف، هر چه را که هست، به یکدیگر گوشزد نمایند.

۱۴. آینه، معایب و محاسن را کم و زیاد نمی کند و آنچه را که هست می گوید، نه کم تر و نه بیش تر.

دو همراز نیز باید در بیان معایب و محاسن صادق باشند و در این راه به افراط و تفریط کشیده نشوند.

۱۵. آینه، اگر به کسی عیبی را می گوید، قصد تسویه حساب ندارد و فقط به وظیفه اش عمل می کند.

دو رفیق نیز نباید در مقام تلافی و تسویه حساب باشند.

۱۶. آینه، اگر کثیف شود، گرد و غبار اجازه نمی دهد که آینه پیامش را واضح و آشکار بیان کند.

دو غمخوار نیز اگر کدورتی بینشان به وجود آید، باید سریعاً آن کدورت را برطرف کنند، تا مبادا به دوستی شان لطمه ای وارد شود.

۱۷. آینه، همه افراد برایش مساوی اند و نسبت به هر کسی وظیفه اش را به خوبی انجام می دهد.

دو دوست نیز نباید برای کسی یا چیزی ملاحظه ای داشته باشند، بلکه باید در هر حالی به وظیفه دوستی خود عمل نمایند.

۱۸. آینه، در برابر شخص مقابل خود واکنش نشان نمی دهد.

دو دوست نیز نباید معایب یکدیگر را به دلیل لجبازی بگویند؛ مثلاً بگویند: حالا که این حرف را زدی، من هم این مطلب را به تو می گویم!

۱۹. آینه، اگر

کاملاً تمیز باشد، وقتی نوری بر آن بتابد، آن نور را به طور کامل نشان می دهد.

اگر در دو رفیق، نور ایمان و تقوا حاکم باشد، بهتر می توانند در وظیفه دوستی کوشا باشند.

۲۰. آینه، زمان نمی شناسد و هر وقت در مقابلش بایستی، به وظیفه خود عمل کند.

دو دوست هم نباید برای بیان نظرات خود بهانه بیاورند، بلکه در هر زمانی باید معایب و محاسن همدیگر را به هم نشان دهند.

۲۱. آینه، معایب و محاسن را با هم می گوید و بین آن ها جدایی نمی اندازد.

دو رفیق هم باید در بیان معایب و محاسن، فاصله زمانی ایجاد نکنند، بلکه در یک مجلس و زمان، به هر دو اشاره نمایند.

۲۲. آینه، هرگز در کارش احساس خستگی نمی کند.

دو دوست نیز نباید از بیان معایب یکدیگر ملول و خسته شوند.

۲۳. آینه با کسی قهر نمی کند و هرگز کارش را تعطیل نمی نماید.

دو دوست نیز نباید همچون کودکان با هم قهر کنند و از عمل به وظایفشان دست بکشند.

۲۴. آینه، از بیان و تکرار معایب خسته نمی شود.

دو رفیق هم نباید به هم بگویند: چند بار به تو بگویم، از تو خسته شدم، دیگر به تو نخواهم گفت.

۲۵. آینه، خطر شکستن و احتمال از بین رفتن نیز دارد، بنابراین شدیداً نیازمند محافظت است.

دو دوست نیز باید بدانند که لازم است از صفات اخلاقی خود بسیار مراقبت کنند، تا مبادا آن صفات ارزنده را از دست بدهند.

۲۶. آینه، را در محلی نصب می کنند که به راحتی بتوان از آن استفاده نمود.

دو رفیق نیز باید به گونه ای با هم برخورد کنند که در هر حال و زمان و مکانی بتوانند به وظیفه اخلاقی خود عمل نمایند.

۲۷. آینه



را در بهترین مکان قرار می دهند.

دو دوست هم باید شدیداً به هم احترام بگذارند؛ چرا که می خواهند رفاقتشان تا پایان عمر باشد.

۲۸. انسان هر روز باید خودش را در آینه ببیند.

دو غمخوار و همراز نیز باید هر روز با هم ملاقات داشته باشند و در مقابل نقد و بررسی یکدیگر قرار بگیرند.

۲۹. آینه، معایب و محاسن همان لحظه را می گوید و کاری با گذشته ندارد.

دو دوست هم نباید حرف های کهنه شده را زنده کنند و باعث کدورت یکدیگر شوند.

۳۰. آینه، هرگز به انسان دروغ نمی گوید.

دو دوست هم در هیچ شرایطی نباید صداقت را از دست بدهند.

## دختران و دوستی

### دختران و دوستی

از آن جا که بیش تر مخاطبان این نوشته، پسران و دختران جوانند، لازم دانستیم که بخشی از آن را به دوستی و رفاقت دختران اختصاص دهیم.

دختران و پسران از نظر اوضاع روحی و مسایل روانی، دارای صفات متضادی هستند و معمولاً از تفاوت های محسوسی برخوردارند؛ یعنی در مسایل شخصی و اجتماعی، هر کدام روحیات و صفات ویژه خود را در نظر می گیرند و پس از آن به دنبال گزینش و انتخاب، همت می گمارند.

انتخاب دوست و رفیق نیز در زندگی هر کدام از دختران و پسران جوان متفاوت است و شرایط و اوصاف ویژه ای دارد. مثلاً یک دختر جوان دبیرستانی، ملاک ها و ویژگی هایی را که در چگونگی گزینش و انتخاب دوست در نظر می گیرد، با ملاک هایی که یک پسر جوان دبیرستانی در نظر دارد، کاملاً متفاوت است.

از آن جا که دختران جوان به دنبال عوامل موفقیت و به هدف رسیدن و به قول خودشان خوشبخت شدن هستند، دل بستگی آنان به هر چیز و هر کسی از روی احساسات و عواطف

درونی، و بر مبنای همین ملاک است.

برای مثال، اگر دختر جوانی دریافت که دوستی با دختر همسایه در موفقیت او نقش زیادی ایفا می کند، خود را به آب و آتش می زند و چنان شیفته او می شود که از حدّ و حساب خارج است.

با توجه به مطالب فوق، ما در این قسمت عاجزانه از دختران جوان درخواست می کنیم که در هنگام گزینش و انتخاب دوست، دو چندان دقت داشته باشید و بر احساسات و عواطف زودگذر خود غلبه کنید و با بینشی صحیح و در نظر گرفتن حدود الهی، در برقراری روابط خود اقدام نمایید.

چه بسیار دختران جوانی که با هموعان خود رابطه دوستی ریخته و او را محرم اسرار خویش به حساب آوردند، اما سرانجام دچار شکست و تباهی شدند.

### دخترم!

مبادا دچار فریب دشمنان دوست نما شوی و در این امر مهم بدون بینش و آگاهی لازم اقدام نمایی. مواظب باش که بسیاری از دختران، هرگز طعم خوش تربیت را نچشیده و حسادت و نظر تنگی، آنان را به سوی تو کشانده است.

هستند دخترانی که خود منحرف شده و دوست دارند تو نیز در مفسد اخلاقی با آنان شریک شوی. مطمئن باش تا تو را مثل خودشان به دام بی عفتی و آلودگی نکشانند، رهایت نمی کنند. پس از آن که تو را مانند خود بی آبرو کردند، در گوشه ای با تماشای تباه شدن و انزوای تو پایکوبی می نمایند.

### خواهرم!

سرگذشت دختران جوانی که دچار انحراف شدند و سرانجام بدن های قطعه قطعه شده آنان در بیابان ها و مزبله ها پیدا شد، نشانگر بی احتیاطی در انتخاب دوست است. پس سفارش این برادر کوچکتان را فراموش نکنید و از همین الان، بیش از گذشته درباره دوستان خود بیندیشید...

به راستی تا چه اندازه دوستانان توانسته اند شما را به سوی فضایل و کمالات معنوی رهنمون شوند؟

در هر حال اگر به این حقیقت دست یافتید که دوستان شرور و فاسد، شما را به لبه گور بی کسی و غربت و بی آبرویی کشانده اند، جز خود را ملامت نکنید؛ چرا که این خود بودید که با شتاب در جاده دوستی های غیر مجاز سرعت گرفتید و آنان را محرم راز خود دانستید. پس بار دیگر این نکته را زیر لب زمزمه کنید که:

خود کرده را تدبیر نیست!

برخی از دختران جوان بر اثر نداشتن بینش صحیح و بهره مند نشدن از کمالات اخلاقی، قوانین شرع مقدس اسلام را در روابط اجتماعی میان پسران و دختران، مانع آزادی می دانند و در این

اندیشه باطل خود سرگردانند که راستی چه می شد اگر رابطه بین دختران و پسران آزاد می گردید...؟!

### خواهرم!

اگر اسلام عزیز شخصیت و شخص تو را چون دُرّی دانسته است که باید در صدف عفاف و پاکی محافظت شود، دلیل بر اسارت تو نیست؛ این عین آزادی است.

دختری که قرار است مایه لذت هر کسی شود، چگونه می تواند ادعای آزادی کند؟ آیا او که هر روز به دنبال روابط نامشروع خود، تن به بی عفتی و آلودگی می دهد، آزاد است؟! آیا این عین اسارت نیست؟!

### دخترم!

اگر با پسری عیّاش و فاسد که هرگز طعم خوش تربیت و اخلاق را نچشیده است، در ارتباط باشی و او را در موفقیت یا شکست خود دخیل بدانی، آیا هیچ به فکر فردای خود بوده ای؟ من دلسوزانه به شما پیشنهادی می کنم؛ از این راه می توانید درک کنید که پسران جوان در روابط خود با شما چه نقشه ای در سر می پرورانند.

مگر شما عاشق عفت نیستید؟! اگر پسری به خواستگاری شما بیاید، مگر اولین شرط او پاکی شما نیست؟ اگر متوجه روابط نامشروع شما شود، آیا تن به ازدواج خواهد داد؟ هرگز؛ چرا که تمام انسان های روی زمین، عاشق عفت و پاکدامنی هستند. حتی کثیف ترین مردم از نظر اخلاقی، هنگام انتخاب شریک زندگی خود و همسر آینده خویش، دوست دارند همسر عقیف و پاکدامنی داشته باشد و هرگز تن به ازدواج با یک دختر بی عفت و هرزه را نخواهند داد.

نکته دیگری که لازم است به عنوان تذکری دلسوزانه برای دختران و خواهران عزیز ذکر کنم، این است که پسران برای برقرار کردن رابطه دوستی با شما، جز دفع شهوت و خاموش نمودن غریزه سرکش جنسی خود، هیچ هدفی نداشته و ندارند و اگر شما تن به خواسته آن ها بدهید، مروارید

پر قیمت عفت و شخصیت زنانه خود را به حراج گذاشته و در اصل، شما ضرر کرده اید؛ ضرری که هرگز قابل جبران نخواهد بود.

دختر رعناى من! از صحبت مردان بترس

ز آن که اغلب رند و شینادند، از آنان بترس

مرد چون صیاد ماهر هر دلی آرد به دام

هوش دار! از دام عشق این ستمکاران بترس

نو گل نشکفته گلزار عشق و زندگی

از فریب بلبل شیدای خوش الحان بترس

بحر افسون و فریب مرد را ساحل کجاست؟

تا نگردي غرق در دریای بی پایان بترس

عاشق دلداده شیدا سر و پا حيله است

زین بلای جان و از این رهنز ایمان بترس

شما ای دختران! من با شما میم

سرا پا گوش باشید

در این دور و زمان باهوش باشید

مبادا دست ناپاکان خائن

بریزد شاخ و برگ آبروتان

مبادا زیر طوفان هوس ها

شود مدفون به خواری آرزوتان

**خواهرم!**

لذت های مادی این دنیا، به خفت دائمی آخرت نمی ارزد. اگر امروز نام زنان و دختران با فضیلت و برجسته الهی را می شنوید و می بینید که شهرت جهانی یافته اند، همه در سایه تلاش و کوشش برای کسب فضایل اخلاقی و کمالات معنوی بوده است.

پس ما هم در حدّ توان خود برای دست یابی به آن خلق و خوی انسانی تلاش کنیم و شخصیت خود را در بازار روابط به حراج نگذاریم.

## جاذبه های کاذب برای جلب دوستی

### جاذبه های کاذب برای جلب دوستی

بسیاری از تاجران فرهنگ فروش، با نشر فرهنگ غرب به قصد افزایش درآمد خود، از هیچ جنایتی دریغ نکرده، بسیاری از مقدّسات و اعتقادات ما را خدشه دار نمودند.

صفحه های بعد را به این امر اختصاص داده ام و عاجزانه از دختران و پسران جوان درخواست می کنم تا پس از مطالعه این کتاب - که اثر کوچکی از شعله های آتش دل است - خوب فکر کرده و ارزش و قیمت والای شخصیتی خود را نشکسته و بازار کالای خود را به کساد نکشانند.

### خواهر و برادر عزیزم!

اسلام، رنج ها و مشقّت های فراوانی را متحمّل شده است. پس از رحلت جانسوز رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، مولای غریب و مظلوممان امیر مؤمنان علیه السلام را خانه نشین کرده و حرمت یگانه همسرش فاطمه زهرا علیها السلام را شکستند. پس از آن یکی پس از دیگری امامان و پیشوایان معصوم علیهم السلام ما را که برای راهنمایی بشر از سوی خدا انتخاب شده بودند، به شهادت رساندند.

تا زمان «معمد عباسی» - آخرین خلیفه عباسی - بیش ترین فشارها، زجرها، تبعیدها و شکنجه ها را بر شیعیان وارد آوردند و در جستجوی امام زمان علیه السلام بسیج شدند. آنان به فکر خام خود به دنبال دست یافتن به «مهدی» بودند، تا با پیدا کردنش، نسل امامت را منقرض نمایند؛ غافل از آن که خداوند هرگز بندگانش را بدون حجت و راهنما قرار نمی دهد.

اکنون بیش از هزار سال است که یوسف فاطمه، حضرت مهدی علیه السلام در پس پرده غیبت قرار دارد و غریبانه و مظلومانه، خود انتظار فرجش را از خداوند درخواست می کند.

این ها نمونه ای است از زحمات و تحمّل مشقّات در برقرار کردن احکام اسلام و به ثمر نشان دادن اهداف

عالی شرع محمدی صلی الله علیه و آله.

حال سؤال این است که دختران و پسران جوانی که در پیمودن راه های معصیت تن به هر کس و ناکسی می دهند، آیا با تمام نیرو به جنگ با ارزش ها برنخاسته اند؟!

آیا بی حجابی، تیشه ای بر ریشه سیره و روش زندگی حضرت زهرا علیها السلام نیست؟ آیا با اعمال و رفتارمان، دل فرزند فاطمه علیها السلام را خون نکرده ایم؟!

### خواهرم!

امروز اگر به یاد فردا نباشی و در کسب فضایل و معنویات نکوشی، جز خسارت و زیان چیز دیگری نصیبت نخواهد شد.

در خیابان چهره آرایش مکن

از جوانان سلب آسایش مکن

زلف خود از روسری بیرون مریز

در مسیر چشم ها افسون مریز

یاد کن از آتش روز معاد

طّوه گیسو منه در دست باد

خواهرم! دیگر تو کودک نیستی

فاش تر گویم، عروسک نیستی

خواهرم! ای دختر ایران زمین

یک نظر عکس شهیدان را ببین

خواهرم! این قدر طنّازی مکن

با اصول شرع لجبازی مکن

خواهرم! این نوع لباس تنگ چیست؟

پوشش چسبان رنگارنگ چیست؟

در امور خویش سرگردان مشو

نو عروس چشم نامردان مشو

«آغاسی»

## تهاجم به مقدسات

### تهاجم به مقدسات

یکی از نکات مهمی که در مورد اعتقادات بشر از اهمیت زیادی برخوردار می باشد، این است که اگر کسی یا کسانی معتقد به چیزی شدند (خواه عقیده خرافی و باطل یا اعتقاد به حق)، برطرف کردن و متزلزل ساختن ریشه های آن؛ هرگز با تهدید، شکنجه، تبعید و زندان امکان پذیر نخواهد بود.

برای نمونه، می توان به مبارزات رسول خداصلی الله علیه وآله در دوران رسالت الهی خود با اعتقادات خرافی مردم جزیره العرب اشاره نمود.

رسول خداصلی الله علیه وآله هرگز در دوران رسالت خود، برای جذب مردم و برطرف نمودن اعتقادات خرافی آنان، از راه زور، شکنجه و تهدید وارد نشدند، بلکه فقط در زمینه باطل نمودن معتقدات جُهَال عرب اقدام نمودند و به موفقیت چشم گیری نیز دست یافتند.

در آن روزگاری که کشتن دختران در ذهن و افکار مردم ریشه دوانده بود و دخترداری و دخترزایی، لگه ننگی به حساب می آمد، و در آن زمانی که بت پرستی به شکل عجیبی رواج یافته بود - تا جایی که طبق نقل تاریخ، مردم به تعداد روزهای سال، ۳۶۵ بت داشتند

و آنان را تقدیس می نمودند - رسول خداصلی الله علیه وآله مبعوث شدند و مبارزه جدی خود را علیه خرافات و معتقدات باطل آنان آغاز نمودند.

در یک مثال محسوس، می توان کشتن، فشار و خشونت را در مورد برطرف ساختن اعتقادات، مانند چگشی دانست که بر سر میخی کوبیده شود. بدیهی است که میخ فرو رفته را با چگش یا فشار بر سر آن نمی توان از جا کند و هر چه بر او فشار وارد گردد، استقامت و پایداری آن دو چندان می شود.

به دو نمونه در این مورد توجه کنید.

### نمونه اول

زن آرایشگری که در دربار فرعونِ زمان موسی علیه السلام سَمَت آرایشگری را به عهده داشت، روزی مشغول شانه زدن موهای یکی از دختران فرعون بود. ناگهان شانه از دست او رها شد و ناخودآگاه نام خداوند را بر زبان جاری نمود.

دختر فرعون پرسید: آیا این خدایی که نامش را می بری، پدر من است؟

زن آرایشگر گفت: پدر تو نیز مخلوقی از مخلوقات خدای من است.

فرعون که از خداپرستی و توحید آرایشگر آگاه شد، او را به بند کشید و دستور داد تا او را با شکنجه و فشار و کتک، وادار کنند که دست از اعتقادات خود - که اعتقاد به خداپرستی و توحید بود - بردارد. او در زیر ضربات تازیانه، اَحِدُ اَحِدِ می گفت و صدایش به آسمان می رفت. سرانجام فرزند خردسالش را در مقابل چشمانش گردن زدند و او را در کوره ای از آتش گداخته شده از مس انداختند، اما دست از عقیده خود برنداشت.

آسیه علیها السلام که یکی از چهار زن بزرگ دنیا است، در این ماجرا به دفاع برخاست و خداپرستی و توحید خود



را آشکار نمود. فرعون که تا آن زمان از خداپرستی همسرش مطلع نبود، سخت ناراحت شد و او را نیز زیر ضربات تازیانه قرار داد، تا دست از اعتقاد خود بردارد؛ اما این زن بزرگ و با فضیلت، همچون آرایشگر مزبور تسلیم نگردید، و سرانجام به دستور فرعون در کوره آتش انداخته شد و به شهادت رسید.

مرحوم علامه طباطبائی در المیزان، ذیل آیه اول از سوره مبارک «اسراء»، روایاتی را از اخبار معراج نقل کرده است. یکی از آن روایات این است:

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمودند: در معراج بویی به مشام رسید که خوبی و نیکویی آن قابل وصف نیست و تا آن زمان بویی به آن خوشی استشمام نکرده بودم. پرسیدم: این بو از چیست؟ جواب دادند: این بوی مشاطه فرعون است که در راه عقیده خود جان داد و تسلیم شرک نشد.

## نمونه دوم

«بلال حبشی» که از اولین مسلمانان آفریقای سیاه به شمار می رفت، توسط ارباب خود «أمیه بن خلف» به بند کشیده شد و زیر ضربات تازیانه قرار گرفت.

أمیه به خیال این که می توان بلال را با شکنجه و فشار، از عقیده اش باز گرداند، او را تا سر حد مرگ زیر ضربات تازیانه گرفت؛ اما هر چه می گذشت، بر استواری و پایداری او افزوده می شد.

شاعر می گوید:

تن فدای خار می کرد آن بلال

خواجه اش می زد برای گوشمال

که چرا تو یاد احمد می کنی

بنده بد، منکر دین منی

می زد اندر آفتابش او به خار

او آخذ می گفت بهر افتخار

از تنش صد جای خون بر می جهد

او آخذ می گوید و سر می نهد

أمیه بن خلف، چنان بلال را شکنجه می نمود که کم تر کسی امید زنده ماندن او را داشت، اما سرانجام با وساطت

رسول خداصلی الله علیه وآله زمینه آزادی بلال فراهم شد و در جمع شیفتگان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله قرار گرفت. (۲۰)

## آخرین کلام

با توجه به مطالبی که گذشت، اینک توجه شما را به نکته مهمی جلب می نمایم. مشهورترین ادیان دنیا سه دین هستند:

۱. دین مسیح؛ ۲. دین یهود؛ ۳. دین اسلام.

در میان این سه دین و ادیان دیگر دنیا، هیچ دینی به اندازه دین اسلام دشمن ندارد و در یک کلام، تمام تبلیغات دنیا علیه اسلام بسیج شده و این نکته غیر قابل انکاری است.

همچنین در میان تمام کشورهای مسلمان، هیچ کشوری به اندازه ایران دشمن ندارد، که این نکته نیز قابل انکار نیست. نقشه های دشمنان و کینه توزان مغرض برای به ثمر نشاندن مقاصد پلید خود، فقط در قشر جوان جامعه خلاصه می شود، و در میان جمعیت کشورمان، هیچ قشری به اندازه قشر جوان مدنظر آنان نبوده و نیست.

آنان دریافته اند که اگر نیروی کارآمد جوان کشور ایران را از پای درآورند و معتقدات آنان را سست نمایند، در یک جمله، به مقاصد خود رسیده اند.

بنابراین، یکی از نکات مهمی که دشمنان به آن توجه کامل دارند، این است که برای ریشه کن نمودن اعتقادات جوانان این مرزوبوم، هرگز از راه شکنجه و فشار و زور یا تهاجم نظامی موفق نخواهند بود؛ چرا که آنان جنگ هشت ساله تحمیلی را تجربه کردند و دریافتند که با این ترفند نمی توانند به مقاصد خود برسند.

آنان با محاسبه دقیق به این نتیجه رسیده اند که اگر میلیاردها دلار خرج کنند و در جنگ نظامی علیه اسلام و مسلمانان بسیج شوند، هرگز ثمری جز اتلاف سرمایه و زمان نصیب آنان نمی شود. بنابراین، با

طرح تبلیغات و تهاجم فرهنگی علیه مقدسات اسلام و کشور شیعه، آستین بالا زده اند و هر روز با نقشه ای تازه به صحنه می آیند.

روزی با اشاعه منکرات از قبیل عکس ها و فیلم های مبتذل، و روز دیگر با القای افکار ضد اسلامی، برای ریشه کن نمودن معتقدات ملت ایران و به خصوص جوانان عزیز به میدان آمدند. تریاک و مواد مخدر را میان جوانان شایع کردند و گروه زیادی از جوانان پر شور ما را به دنیای بی کسی و غربت کشاندند. حجاب را میان دختران و خواهران ما خلاف آزادی معرفی نمودند و گروه زیادی از آنان را به بی عفتی کشاندند.

بنابراین، بر جوانان عزیز لازم است که در روابط اجتماعی دقت کنند و تن به دوستی با هر کس ندهند. به بیان دیگر، دوستان واقعی را از گرگ صفتان زشت خو جدا کنند و به تبلیغات بیگانگان جواب مثبت ندهند.

جوانانی که به استقبال آغوش باز دشمنان دوست نما شتافتند، در آخر با دنیایی از خفت، کنج عزلت گزیدند و تمام آرزوهایشان بر باد رفت و خیالاتشان نقش بر آب شد.

۹۰ درصد از کسانی که پشت میله های زندان ها قرار گرفته اند، از هم نشینان خود شاکی هستند و تمام علت سقوط خود را نتیجه شرکت در مجالس عیش و نوش و همراهی با دوستان فاسد و منحرف خود می دانند.

اینان از نقشه دشمنان بی خبر بودند یا خود را به بی خبری زدند؟ آیا دختران جوانی که با برقرار کردن رابطه نامشروع، دامن عفت خود را لگه دار کردند، یا جوانانی که به اعتیاد و مفسد اخلاقی دیگر تن دادند، نمی دانستند که عواقب خطرناک بی باکی در جاده دوستی چیست؟ پس چرا چنین شد؟

جواب روشن

است؛ تمام علت زیر سر نقشه های دشمنان اسلام است که برای تخریب عقاید یک ملت، تنها راه را منزوی کردن و به فساد و فحشا کشاندن نسل جوان دانسته اند.

کاش فریادم را می شنیدند و اشک قلمم را بر روی روح سفید کاغذ نظاره می کردند؛ کاش سوز دلم را نمک نمی زدند.  
دوستان من!

شما را به ارزش دوستی قسم می دهم که نگذارید کار به جایی برسد که شیطان، در مراسم اعدام عقل، پای کوبی کند؛ نگذارید دشمنانِ قسم خورده خود نمایی کنند و گرگ های در لباس میش یارگیری نمایند.

دوستانتان را با چشم باز انتخاب کنید. یار هر تیمی نشوید و با همت خود توپ دشمنان را به تور دروازه دل خود نچسبانید؛ چرا که قاضی این میدان، دو بار بیش تر اخطار نمی دهد و برای بار سوم، انسان خطا کار را از میدان زندگی، شور و نشاط، بهره مندی از دوران عمر و درک لحظات شیرین روزگار، با کارت قرمز اخراج می کند؛ تا جایی که حتی حق تماشای این میدان را هم نداشته و به رختکن گور سرازیرت کند.

پس باشد که...

کاش صاحب برسد، بنده به زنجیر کند

این جوانان، همه را در ره خود پیر کند

هیچ کس کاش نباشد ننگش بر راهی

چشم بر در بُود و دلبر او دیر کند

کاش چشم گُل زهرا علیها السلام به دل من اُفتد

خود بسازد دل ویرانه و تعمیر کند

کاش با آن قلم عشق شبی نام مرا

در میان صُحف فاطمه علیها السلام تحریر کند

کاش روزی بزند تکیه به دیوار حرم

با همان لحن علی علیه السلام نغمه تکبیر کند

به امید دیدار

## پی نوشت ها

۱) شهید مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱.

۲) اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۱۳۰.

۳) زخرف، ۶۷.

۴)

الميزان، ج ۱۸، ص ۱۸۱، ترجمه.

(۵) فجر، ۱۴.

(۶) غرر الحکم.

(۷) هزار حدیث، ص ۲۷۷، ج ۲.

(۸) مستدرک، ج ۲، ص ۶۵.

(۹) مستدرک، ج ۲، ص ۶۲.

(۱۰) اصول کافی، ج ۳.

(۱۱) اثنی عشریه، ص ۱۵.

(۱۲) معالی السبطين فی احوال الحسن و الحسين، ج ۱، ص ۵۱؛ به نقل از سخنان ماندگار، وصیت نامه های چهارده معصوم، ظهیری، ص ۶۶.

(۱۳) امالی، شیخ صدوق، مجلس ۵۹۰، ج ۱.

(۱۴) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۷۲.

(۱۵) غرر الحکم، ج ۲، ص ۸۱۱.

(۱۶) مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۱۰.

(۱۷) اثنی عشریه، ص ۱۵.

(۱۸) بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۱۴.

(۱۹) غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۵۲.

(۲۰) جواد محدثی، آشنایی با اسوه ها (بلال و سلمان)، انتشارات دفتر تبلیغات.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

